

درس هشتم

وزن سرفارسی

تقطیع هجایی

تقطیع به ارکان

وزن شعر، **نظمی** است بر مبنای **کمیت** هجاها، یعنی بر پایه چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است. **علمی** که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند، «**عروض**» نامیده می‌شود. **واحد وزن** در شعر فارسی و در بسیاری از زبان‌های دیگر «**مصراع**» است. وزن هر مصراع شعر در این زبان‌ها نمودار وزن مصراع‌های دیگر است؛ وقتی شاعر، مصراع اول را سرود، بقیه مصراع‌ها را نیز باید در همان وزن بسراید.

درست خواندن و درست نوشتن شعر (استفاده از خط عروضی)

برای پیدا کردن وزن شعر، نخست آن را باید درست خواند. در خواندن نباید شکل نوشتاری کلمات، ما را دچار اشتباه کند. برای نمونه، کافی است شکل نوشتاری بیت را با صدایی که از خواندن آن می‌شنوید، مطابقت دهید؛ مثال: طاعت آن نیست که بر خاک نهی، پیشانی

صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست **سعدی**



آنچه می‌شنویم، مهم است
نه شکل نوشتاری





وقتی بیت قبل را درست بخوانیم، «طاعت آن» به صورت «طاعتان» و «پیش آر» به صورت «پیشار» تلفظ می‌شود. در تعیین وزن می‌کوشیم، شعر را همان گونه که می‌خوانیم یا می‌شنویم، بنویسیم. این خط **خط عروضی** نامیده می‌شود. در نوشتن شعر به خط عروضی، رعایت چند نکته لازم است:

۱ اگر در فصیح خواندن شعر، همزه آغاز هجا (وقتی قبل از آن صامتی باشد) تلفظ نشود، در خط نیز آن را باید حذف کرد. چنان که در بیتی که خواندیم «طاعت آن» با حذف همزه به صورت «طاعتان» تلفظ می‌شود. همچنین در مصراع «بنی آدم اعضای یکدیگرند» با حذف همزه «اعضا» به صورت «بنی آدم‌عضای ...» خوانده می‌شود.

۲ در خط عروضی باید حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود.

نظامی

هَر دَمَ از این باغِ بَری می‌رَسَد تازه‌تر از تازه‌تری می‌رَسَد
هَر دَمَ زین تازِ تَرز تازِ تری

هَر	دَمَ	زین	با	غ	بَ	ری	می	ر	سَد
تا	زِ	تَ	رَز	تا	زِ	تَ	ری	می	ر

روشن است کلماتی مانند «تو»، «دو» و «و» ربط (عطف) به صورتی که تلفظ می‌شوند، باید نوشته شوند یعنی به صورت «ت»، «د»، «و»؛ معمولاً «و» عطف یا ربط، به‌ویژه در شعر به صورت «ُ» (ضمّه) تلفظ می‌گردد؛ مثل من و او ← مَنُ و .

۳ حروفی که در خط هست اما به تلفظ در نمی‌آید، در خط عروضی حذف می‌شود؛ مانند بیت:

سعدی

هر چه بَر نفسِ خویش نپسندی نیز بَر نفسِ دیگری مپسند
که کلمات «چه» و «خویش»، به صورت «چ» و «خیش» نوشته می‌شود:

هَر چِ بَر نفسِ خیش نپسندی نیز بَر نفسِ دیگری مپسند

خواهر ← خاهر

خود ← خُد

نقّاش ← نقّاش

مُحَبَّت ← مُحَبَّت

۴ حرف مشدّد را دو بار می‌نویسیم. مانند «دَرَنده» ← «دَرَنده»

سعدی

برو شیر دَرَنده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شَل

بُ	رُو	شِی	رِ	دَر	زَن	دِ	بَا	شِی	دَ	غَل
مَ	یَن	دَا	زِ	خُدْ	رَا	چُ	رُو	بَا	هَ	شَل

تقطیع

«تقطیع» یعنی قطعه قطعه کردن شعر به ارکان عروضی و هجاها.

برای دستیابی به وزن یک بیت، آن را به ارکان و سپس به هجاها تقسیم می‌کنیم. در تقطیع

به ارکان، یک مصراع را به چندپاره (رکن) هماهنگ تقسیم می‌کنیم.

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی ز بامی که برخاست، مشکل نشیند

طیب اصفهانی

مَ	زَن	جَان	دِ	لَمْ	رَا	کِ	اَیْن	مُرْ	غِ	وَحْ	شِی
زِ	بَا	مِی	کِ	بَرْ	خَا	سِتْ	مُشْ	کِلْ	نِ	شِی	نَدْ

پس از مشخص شدن ارکان، اکنون می‌توانید هجاهای شعر را به دقت جدا و مرز هر هجا را با خط عمودی کوتاهی مشخص کنید.

۱- در مواردی این پاره‌ها هماهنگ نیستند، در سال آینده با ارکان نامنظم آشنا خواهید شد.



مَ	رَن	جان	دِ	لَم	را	کِ	این	مُر	غِ	وَح	شی
زِ	با	می	کِ	بَر	خا	ست	مُش	کِل	نِ	شی	نَد

سپس علامت هر هجا را زیر آن می‌نویسیم.

یادآوری: حرکات (مصوّت‌های کوتاه) در شمارش، مانند دیگر حروف شمرده می‌شوند اما هر مصوّت بلند، از نظر کشش آوایی دو حرف به شمار می‌آید.

مَ	رَن	جان	دِ	لَم	را	کِ	این	مُر	غِ	وَح	شی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-

حال اگر مصراع دوم یا مصراع‌های دیگر شعر را نیز تقطیع هجایی کنیم، خواهیم دید که نظم و ترتیب هجاهای آن، دقیقاً مثل مصراع اول خواهد بود. هجاهای مصراع دوم را زیر هجاهای مصراع اول می‌آوریم تا هجاهای دو مصراع را بهتر بتوان مطابقت داد.

مَ	رَن	جان	دِ	لَم	را	کِ	این	مُر	غِ	وَح	شی
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
زِ	با	می	کِ	بَر	خا	ست	مُش	کِل	نِ	شی	نَد



د زور	ب رف تا	ن با شد	م رو وت
ش مور	ن از پی	غ دون دا	ب رد مر
- U	- - U	- - U	- - U

خودارزیابی



۱ نام و نام خانوادگی خود را با خط عروضی بنویسید.

۲ هجاهای بیت زیر را، مشخص کنید.

مرّوت نباشد بر افتاده زور برّد مرغ دون، دانه از پیش مور **سعدی**

۳ واژه‌های زیر را با خط عروضی بنویسید و مرز هر کدام از واژه‌ها را که بیش از یک هجا دارد، مشخص کنید.

رهایی، لانه، خویشتن‌شناسی، محبت، دلنوازان، نیکو، خواهش، رهرو، بزرگراه، بنفشه، ملالت، التماس، خود، سفینه، چون، پشتوانه، مجموعه، روزنه، خواستن، مؤذن، کاشته، راهوار.

۴ واژه‌های زیر را یک بار با حذف همزه و بار دیگر با همزه بخوانید و به خط عروضی بنویسید.

سرآمد، دل انگیز، جنگ آور، شب آهنگ، شیرافکن، دارآباد.

۵ ابیات زیر را درست بخوانید و با خط عروضی بنویسید. سپس مرز هجاها را مشخص کنید و زیر هر هجا علامت آن را بگذارید.

● با من بگو تا کیستی، مهری بگو، ماهی بگو

خوابی خیالی چیستی، اشکی بگو آهی بگو

اوستا

● بر سرآئیم که گر ز دست برآید دست به کاری زخم که غصّه سرآید

حافظ

۶ تقطیع هجایی ابیات زیر را انجام دهید.

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

فروغی بسطامی



آینه ار نقش تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست

نظامی

اگر کاری کنی مزدی ستانی چو بیکاری، یقین بی مزد مانی

ناصر خسرو

۷ با توجه به علامت هجاها، کدام واژه‌ها با حذف همزه، تلفظ شده‌اند؟

بدون حذف همزه

با د آ و ر د

U - - U -

با دا و ر د

U - - - -

U - - -

بادآورده:

--U-U

پلنگ افکن:

دا نش آ موز

U - - - - -

دا ن شا موز

U - - - U -

U - - - -

دانش آموز:

U - - -

گل اندام:

- - - U

پیام آور:

U - - U

خوش اندام:

U - U - -

کارآموده:

↑
با حذف همزه

